

نگرشی تحلیلی به رابطه بین انسجام، ابرازگری با رفتار امتناع از مدرسه دانش آموزان دختر در منطقه ۱۸ تهران

سهیلا خانی^۱

^۱ دانشجوی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه آزاد واحد اسلامشهر

چکیده

هدف اصلی در این تحقیق تعیین رابطه بین انسجام، ابرازگری با رفتار امتناع دانش آموز از مدرسه است. جامعه آماری در این پژوهش را کلیه دانش آموزان دختر در منطقه ۱۸ تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۱ تشکیل داد که از این میان ۳۸۴ نفر انتخاب شدند و روش نمونه گیری به صورت تصادفی ساده بود. برای جمع آوری داده نیز از دو مقیاس الگوهای رابطه خانوادگی (محیط خانواده) موس و موس (۱۹۹۴) و مقیاس تجدید نظر شده امتناع از مدرسه توسط کرنی و سیلورمن (۱۹۹۳) استفاده شد. برای تحلیل داده ها از آزمون همبستگی اسپیرمن از طریق نرم افزار SPSS استفاده شد که نتایج نشان می دهد که هر چقدر انسجام خانواده ارتقا پیدا کند، رفتار امتناع دانش آموز از مدرسه کاهش می یابد. هر چقدر ابرازگری و تعارض خانواده بیشتر شود، دانش آموزان بیشتر از مدرسه امتناع میکنند. بر این اساس می توان گفت که تدوین برنامه های آموزشی جهت آشنا ساختن والدین با مولفه های محیط خانواده که منجر به کاهش رفتارهای امتناع از مدرسه توسط دانش آموزان می شود یک ضرورت اساسی است که نیازمند توجه و حمایت همه جانبه مسئولین می باشد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین انسجام خانواده و رفتار امتناع دانش آموز از مدرسه رابطه معکوسی وجود دارد. سطوحی از ابرازگری خانواده به عنوان الگوی اصلی نمایش ابراز کلامی و غیر کلامی از احساسات درون خانواده به عنوان یک کل تعریف شده است که روابط زناشویی را تحت تأثیر خود قرار می دهد.

واژه های کلیدی: انسجام، ابرازگری، تعارض، خانواده، امتناع از مدرسه

مقدمه

نهاد خانواده، مولد نیروی انسانی و معبر سایر نهادهای اجتماعی است، از ارکان و نهادهای اصلی هر جامعه به شمار می رود. بهنجاری یا نابهنجاری جامعه درگرو شرایط عمومی خانواده هاست و هیچ یک از آسیب های اجتماعی فارغ از تأثیر خانواده پدید نمی آید. به همین ترتیب نیز هیچ جامعه ای نمی تواند ادعای سلامت کند مگر آنکه از خانواده های سالم برخوردار باشد (یینگ و لی، ۲۰۲۱). بنابراین خانواده خود یکی از ارکان مهم آموزش و تأمین امنیت در جامعه است. فردی که در خانه خود در ناامنی به سر برده و آموزش های مستقیم و غیر مستقیم در زمینه ارتباط برقرار کردن با دیگران ندیده باشد، بعید به نظر می رسد بتواند رفتار سالم و موفق را از خود بروز دهد و بالعکس (جهانبخش گنجه، ۱۳۹۹). امروزه ترک تحصیل، به یک مسال جدی برای دانش آموزان تبدیل شده است (کریستن، ۲۰۱۹). ترک تحصیل یکی از مشکلات عمده ی نظام های آموزشی در دنیای کنونی است و هر سال مقادیر متنابهی از امکانات مالی نیرو های انسانی و آموزش و پرورش به این معضل اختصاص می یابد. از آنجایی که ترک تحصیل با نظام آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی جامعه ارتباط تنگاتنگی دارد، بررسی آن مستلزم دقت نظر و ارزیابی دقیق عوامل عدیده ای است که بسیاری از افراد ترک تحصیلی را به معنای ناتوانی دانش آموز در یادگیری مواد درسی می دانند بدون شک این تصویری نادرست است. ناتوانی کودک در فراگیری دروس ممکن است از توانایی های محدود ذهنی ناشی شود در حالی که ترک تحصیل به معنای نزول از یک سطح بالاتر به سطح پایین تر در تحصیل و آموزش است (شاکرمی، صادقی و قدم پور، ۱۳۹۶). به منظور تمایز بین این قبیل ناتوانایی ها و ترک تحصیل اراده ی تعریضی به این صورت که ترک تحصیلی به معنی کاهش عملکرد تحصیلی از سطحی رضایت بخش به سطحی نا مطلوب ضروری به نظر می رسد که در مورد سطح عملکرد قبل و حال او بهترین شاخص می باشد (فرحمند و فولادچنگ، ۱۳۹۶).

اهمیت این پژوهش از آن جهت است که، مسائل و مشکلاتی که در ابعاد آموزشی و تربیتی در مدارس گریبان گیر نظام آموزشی جوامع است بسیار متنوع می باشد. در این بین، رفتار امتناع از مدرسه پدیده ای است که به سرعت افزایش یافته و یکی از مشکلات عمده ی آموزش و پرورش گردیده است (کشت ورزکندازی، هدایتی، کارگر و مظاهر، ۱۴۰۰). اهمیت این موضوع بیشتر ملموس خواهد بود اگر در نظر داشته باشیم که تربیت صحیح نسل جوان، سرمایه گذاری مطمئنی است که جامعه در راستای تعالی خود در آیندهی نه چندان دور به آن مبادرت می ورزد (رشید زاده، ۱۳۹۸). مدرسه گریزی مشکلی است رفتاری که علاوه بر هدر دادن هزینه ها و آسیب های مالی به آموزش و پرورش پی آمدهای ناخوشایندی نیز برای جامعه، فرد و خانواده دارد (شکوهی، امیریان زاده و کشت ورزکندازی، ۱۴۰۰). کودکانی که مدرسه نمی روند با طیف وسیعی از مشکلات از جمله اختلال های اضطرابی، ترک تحصیل، اختلال رفتار هنجاری، اختلال هویت جنسی، بزهکاری، اختلال های خواب و سایر بیماری های روان، مشکلات تحصیلی، خانوادگی و اختلاف با مسئولین مدرسه روبرو می شوند (استند و لوریچ، ۲۰۱۴). نشانگان بالینی رفتار امتناع از مدرسه دارای علائم درون نمود از جمله اضطراب تعمیم یافته، اضطراب اجتماعی، اختلال وحشت زدگی، ترس، افسردگی، انزوای اجتماعی، سرگردانی و مشکلات جسمانی به ویژه دل درد و سردرد و علائم برون نموده از جمله فرار از مدرسه یا خانه، پرخاشگری در کلاس، پرخاشگری جسمانی برای اجتناب از رفتن به مدرسه، سرپیچی کردن، سازش ناپافتگی و

^۱Yeung& Li,

^۲Kristen

^۳Strand& Lovrich

امتناع از راه رفتن است. البته برخی از کودکان ترکیبی از نشانگان درون نمود و برون نمود را از خود بروز می دهند(ابراهیم زاده و دیگران، ۱۳۹۶).

۱- مفهوم شناسی

۱-۱- مفهوم خانواده

جورج مرداک^۴ انسان شناس از خانواده در بیش از ۵۰ سال گذشته این بوده «خانواده یک گروه اجتماعی مشخص شده بوسیله اقامت مشترک، همکاری های اقتصادی و تولید مثل است، شامل بزرگسالان از دو جنس که حداقل دو نفر از آنها یک رابطه جنسی از نظر اجتماعی تصویب شده را حفظ می کنند و یک یا چند بچه، بچه خودشان یا به فرزندگی گرفته شده، دارند» (زینب شاه بختی، شفیع آبادی، حسنی و جاجرمی، ۱۳۹۹). اما در تعریف خانواده در عصر حاضر باید گفت، خانواده محصول فرایند بلند مدت تغییراتی است که طی سه قرن اخیر، اتفاق افتاده است. «تغییر» پایان ندارد و «خانواده» همواره در میانه تغییراتی است که دائما و مستمره به وقوع می پیوندد(پهلوان صادق، کجباف، ۱۳۹۰).

۱-۲- رویکردهای نظری درباره خانواده

یکی از راه های شناسایی تعریف خانواده، ساختار، کارکردها و روابط درون و میان نهادی آن، مراجعه به رویکردهای نظری موجود درباره خانواده است. در این جا، مرور اجمالی رویکردهای نظری مهم، راهنمایی است برای تدوین شاخص های سنجش وضعیت خانواده که به آن خواهیم پرداخت. در چارچوب رویکردهای مختلف جامعه شناسی از خانواده، تعاریف و تحلیل های گوناگونی ارائه شده است که کاملا صریح و روشن هم نیستند. «رویکرد ساختی - کارکردی مجموعه ای از ایده ها را مطرح کرده است که بر نظام های اصلی جامعه و ارتباط بین آن متمرکز است. در این رویکرد، خانواده به شکل گسترده ای متحول شده است(رحیمی، ۱۴۰۰). طبق این دیدگاه، خانواده از نهادهای ضروری و اصلی زندگی اجتماعی محسوب می شود؛ به عنوان نهادی که هم روابط خانوادگی و هم تقسیم کار جنسیتی در چارچوب آن، برای جامعه بزرگ تر جنبه کارکردی دارند و مفید هستند. بنابراین، به همین شکل هم باید تداوم یابند(یئونگ و لی، ۲۰۲۱).

۳- مفهوم محیط خانواده و مولفه های آن

براساس نتایج تحقیق ماردیگال^۵، محیط خانواده، دارای نوعی نقش حمایتی است و سبب کاهش خطر بروز پرخاشگری در کودکان در این مناطق می شود. بنابراین ماهیت جو و محیط خانوادگی که شامل روابط والدین نسبت به یکدیگر و با کودکان است می تواند در ایجاد و اعتماد و استقلال در کودک و نوجوان تسهیل کننده یا بازدارنده باشد. تعیین اینکه محیط خانواده در چه شرایطی تسهیل کننده یا بازدارنده است کار آسانی نیست(میکلوویتز، مرانکو، وینتراوب، والشو، ساین^۶، ۲۰۲۰). چون تعاریف گوناگون از خانواده در فرهنگ های مختلف و عواملی که در فرهنگ های مختلف بر خانواده اثر گذارند، تعریف خانواده دارای عملکرد سالم و ناسالم را مشکل می سازد. موس و موس (۱۹۹۳) ده ویژگی را برای سنجش محیط خانواده مناسب تشخیص

^۴Georgas Murdock

^۵Yeung, & Li

^۶Mardigal

^۷Miklowitz, Merranko, Weintraub, Walshaw, Singh

داده اند. این ده ویژگی، سه حیطه کلی در حوزه خانواده را تحت پوشش قرار می‌دهند که عبارتند از: انسجام^۱، آزادی بیان^۲، تعارض^۳، استقلال^۴، پیشرفت مداری^۵، فرهنگ مداری^۶ و روشنفکری^۷، تکاپو و تفریح مداری^۸، مداری^۹، تأکید اخلاقی مذهبی^{۱۰}، سازماندهی^{۱۱} و کنترل^{۱۲}، با الهام از ویژگی های مطرح شده توسط موس و موس، پژوهش های بسیاری در زمینه ارتباط بین ویژگی های محیط خانواده و اختلال های رفتاری کودکان از جمله اختلال سلوک انجام شده است (کیانی، ۱۳۹۷).

۳-۱- انسجام خانواده

منظور از انسجام خانواده احساس همبستگی، پیوند و تعهد عاطفی است که اعضای یک خانواده نسبت به یکدیگر دارند. پژوهش ها انسجام را احساس نزدیکی عاطفی با افراد دیگر تعریف می کنند. عاطفی با افراد دیگر تعریف می کند. وقتی انسجام زیاد باشد، اعضای خانواده پیشرفت، شادی و رفاه یکدیگر را می خواهند و هر گاه یکی از اعضا، درگیر مشکلی شود، حاضرند برای رفع آن مشکل کار کنند (کیانی، ۱۳۹۷). بعد دیگر انسجام از نظر لینگرن، وقت گذاشتن و با هم بودن اعضای خانواده است. خانواده هایی که در این زمینه قوی هستند. به طور مرتب برنامه ها و زمانهایی برای فعالیتهای گروهی در نظر می گیرند؛ این امر در حالی که ساده به نظر می رسد در عمل دشوار است؛ چون اعضای خانواده ها معمولاً اضافه وقتها را به همدیگر اختصاص می دهند و زمانی که اعضا مشغول کارهای مربوط به خودشان هستند یا خسته اند، مشکل است که بتوانند اوقات مفیدی را برای همدیگر صرف کنند (عرب زاده و دیگران، ۱۳۹۷). علاوه بر این پژوهش ها نشان می دهد که انسجام خانوادگی با عزت نفس، مشکلات درونی و توجه کودکان، مشکلات رفتاری بیرونی نوجوان، ابزار وجود، سلامت روان و جسم، انطباق و سازگاری، عزت نفس، حل مسئله و خلاقیت رابطه معنی داری دارد و با اضطراب، تنش، افسردگی و نشانه های جسمانی فرزندان رابطه منفی دارد و تأثیر بسزایی بر میزان مشکلات عاطفی و رفتاری نوجوانان دارد. هم چنین انسجام خانواده، پیشرفت مهارتهای حل مسئله و خودکارآمدی اجتماعی کودکان و کمال گرایی و ابعاد آن را به صورت معنادار پیش بینی می کند. کاهش انسجام خانواده و افزایش تعارضات بین فردی می تواند به کاهش انعطاف پذیری خانواده منجر شود که می تواند همراه با مشکلاتی در تعاملات آنها گردد (همایون رشیدی و کاظمیان مقدم، ۱۳۹۷).

^۱cohesion

^۲expressiveness

^۳conflict

^۴dependence

^۵achievement orientation

^۶intellectual- cultural orientation

^۷active-recreational orientation

^۸moral-religious emphasis

^۹organization

^{۱۰}organization

اهمیت و تأثیر انسجام خانواده بر رفتار و رشد نوجوان روز به روز روشن تر می شود. انسجام خانواده بیان کننده تعاملات مثبت، سالم و مناسب اعضای خانواده و همچنین حمایتی است که افراد خانواده از یکدیگر دارند انسجام خانواده به عنوان نزدیکی عاطفی با افراد خانواده تعریف شده و تعهد اعضا وقت گذراندن باهم، دو عنصر اساسی و اصلی آن است. حمایت عاطفی و احترام به یکدیگر نیز در این اصطلاح مستتر است، که در بین اعضای خانواده در سطوح مختلفی وجود دارد. در خانواده های منسجم، موقعیت هایی که به یک مسئله یا تعارض منجر می شود با همکاری اعضا و حتی الامکان به شیوه های منطقی حل می شود (سانتوس، کرسپو، کاناواری و کازاک، ۲۰۱۶). خانواده هایی که منسجم هستند و همچنین محیطی حمایتگر و تقویت کننده برای فرزندان نشان ایجاد می کنند، احتمال بروز رفتارهای پرخطر و رفتارهای ضداجتماعی مانند پرخاشگری و قلدری را در نوجوان هایشان کاهش می دهند (عرب نژاد، مفاخری و رنجبر، ۱۳۹۷).

۳-۲- ابرازگری خانواده

ابراز گری به عنوان یک مؤلفه اصلی هیجان ها، به نمایش بیرونی هیجان، بدون توجه به ارزش (مثبت یا منفی) یا شیوه (چهره‌ای، کلامی و رفتاری) اطلاق می شود. ابراز های هیجانی، به تغییرات سطحی بالقوه قابل مشاهده، در چهره، صدا و بدن و سطح فعالیت منجر می شود. برخی از افراد هیجان هایشان را آزادانه و بدون نگرانی از پیامدهای آن ابراز می کنند. این افراد دارای شیوه ابراز هیجان از نوع ابراز گری هیجانی هستند. برخی دیگر گرایش به بازداری در ابراز پاسخ های هیجانی خود دارند. این افراد دارای شیوه ابراز هیجان از نوع بازداری هیجانی هستند. به نظر می رسد افراد مبتلا به اختلال اضطراب اجتماعی دارای شیوه ابراز هیجان از نوع بازداری هیجانی هستند (بدافی، ابراهیم آباد، مشهدی، ۱۳۹۸).

ابراز گری به خودی خود عاملی برای سلامتی نیست بلکه احساس زیربنایی شخص درباره ابراز گری خویش است که می تواند سودمندی یا زیان آوری آن را مشخص کند. منظور از ابراز گری منفی، درجه ای است که گرایش به پاسخ های هیجانی منفی مثل نفرت، خشم، بیزاری و شرمساری در رفتار ابراز می شود. ابراز گری مثبت بیانگر درجه ای است که گرایش به پاسخ های هیجانی مثبت مثل شادمانی، خشنودی، علاقه مندی و دوست داشتن در رفتار ابراز میشود و ابراز صمیمیت، بیانگر داشتن رفتار صمیمانه با دیگران است (سالوینسکینی و زاردکیتی - ماتولایتین، ۲۰۱۴). مطابق مدل ابراز گری هیجانی گراس و جان (۱۹۹۷) هیجان ها در رفتار ظاهر می شوند و تحت تأثیر تعامل های اجتماعی و روابط بین فردی با اعضای خانواده و دیگران قرار می گیرند. اگر هیجان به سبکی غلط ابراز شود یا در بافتی نامناسب رخ دهد یا خیلی شدید باشد و زیاد طول بکشد مشکل آفرین خواهد بود. ابراز کلامی تجارب آسیب زا فرایند مقابله را آسان می کند و افشای هیجانی، نوعی تکانی شناختی ایجاد می کند. ابراز گری هیجانی به عنوان یک متغیر واسطه ای مهم، نقش مؤثری در کاهش تنیدگی و بیماری دارد (فرهمند و فولادچنگ، ۱۳۹۷).

سطوحی از ابراز گری خانواده به عنوان الگوی اصلی نمایش ابراز کلامی و غیر کلامی از احساسات درون خانواده به عنوان یک کل تعریف شده است که روابط زناشویی را تحت تأثیر خود قرار می دهد. به طور خاص کیفیت روابط زناشویی به مقدار زیادی تحت تأثیر ابراز گری هیجانی در خانواده است (بای، هاک گیلبرت، الشیخ و کلر، ۲۰۱۸). ابراز گری هیجانی را به عنوان نمایش بیرونی هیجان بدون توجه به ارزش مثبت یا منفی) یا روش (کلامی یا بدنی) تعریف می کنند. افراد در ابراز هیجانات با

^۱Santos, Crespo, Canavarro and Kazak

^۲Slavinskiene & Zardeckaite-Matulaitiene, K.

^۳Bi, HaakGilbert, R. El-Sheikh & Keller,

یکدیگر تفاوت دارند، برخی افراد هیجان را آزادانه و بدون نگرانی از پیامدهای آن ابراز می کنند؛ برخی دیگر، در انتقال حالات هیجانی محافظه کارند (رپیتی و مک نیل، ۲۰۱۸). عده ای هیجان را ابراز نمی کنند ولی راحت اند؛ اما افراد دیگری هستند که وقتی هیجانشان را بازداری می کنند، تنیده هستند و با خطر آشفتگی روانشناختی و مشکلات بالقوه جسمانی روبرو هستند و برخی هیجان های ناراحت کننده را در ذهن خود مرور می کنند (کاضمی زهرانی، ابراهیمی جوزدانی، هاشکی نجف آبادی و فرهمند، ۱۳۹۸).

همچنین افرادی نیز ممکن است ابراز گر یا نا ابراز گر باشند، ولی در عین حال در مورد سبک ابراز گری خود متعارض باشند. به طور کلی بیان هیجان، چهار عملکرد اصلی دارد که عبارت اند از نظم دهی به برانگیختگی، درک خود، ارتقای مهارت های مقابله ای و بهبود روابط میان فردی. افراد توانمند از نظر هیجانی در رویارویی با هر آنچه آزاردهنده است، احساس های خود را تشخیص می دهند، مفاهیم ضمنی آن را درک می کنند و به گونه مؤثرتری حالت های هیجانی خود را برای دیگران بیان می کنند. این افراد در مقایسه با افرادی که مهارت و توانایی ابراز مناسب هیجان های خود را ندارند، در کنار آمدن با تجربه های منفی از موفقیت بیشتری برخوردارند و سازگاری مناسب تری را در ارتباط با محیط و دیگران نشان می دهند (محمودپور، امینیان، نوذری، و نعیمی، ۱۴۰۰).

۴-۲- تعارض خانواده

تعارض خانواده به این صورت تعریف می شود که از جمله ارتباط های معیوب در خانواده است. از نظر آنها تعارض خانواده، میزان ابراز آزادانه خشم، پرخاشگری و تعارض میان اعضای خانواده است. جنگهای آشکارا پنهان، بحث و جدل، سرزنش، پذیرش مسئولیت شخصی و آهنگ احساسات منفی در خانواده را نیز زیر طبقه تعارض گنجانده اند. همچنین تعارضات زناشویی با پیامدهای مهم در خانواده همانند فرزند پروری ناکارآمد، سازگاری ضعیف فرزندان، افزایش احتمال تعارضات والد-فرزندی مرتبط است (کیانی، ۱۳۹۷). بروز اختلاف و عدم تفاهم در خانواده شایع است و به طور طبیعی در همه زمینه های شغلی، تحصیلی، خانوادگی، ازدواج و در سطح فردی و جمعی، تعارض رخ می دهد؛ بنابراین روابط خانوادگی نیز از این امر مستثنا نیست. برای همین باید گفت، امروزه، بیشتر خانواده ها در جهان به نوعی تعارض را تجربه می کنند. تعارض به این معناست که فرد بین اهداف، نیازها یا امیال شخصی خود و طرف مقابلش ناهمسازی و ناهمخوانی می بیند. تعارض خانوادگی زمانی اگر شدت یابد، سبب خشم، دشمنی، کینه، نفرت، حسادت و سوء رفتار کلامی و فیزیکی در روابط خانواده می شود و حالتی غیر عادی به خود می گیرد (اوانز و دیگران، ۲۰۲۰).

تعارضات زناشویی و طلاق، تهدیدهایی جدی برای پیوندهای خانوادگی است که ثبات و کیفیت ازدواج را به چالش می کشد و باعث بروز پیامدهای منفی روانی، جسمانی، اجتماعی و اقتصادی می شود. تأثیر منفی بر سلامت جسمانی، افسردگی و بهره وری کم در کار از جمله پیامدهای آن به شمار می رود. فرایند تعارض زناشویی زمانی به وجود می آید که یکی از طرفین رابطه احساس کند طرف مقابلش بعضی از مسائل مورد علاقه او را سرکوب می کند (بونک، گیجسلیرز، ریتزن، برند، ۲۰۱۸). در روابط والدین و فرزندان هم با رشد فردگرایی و گرایش جوانان به فاصله گرفتن از محیط خانواده، تعارضاتی بین فرزندان و والدین به وجود آورد که از پیامدهای آن می توان به شکل گیری محیطی تنش زا در خانواده اشاره کرد که بر روح و روان خانواده و فرزندان تأثیرات زیانباری می گذارد که ثمره آن تحمل یا فرار از خانواده است. پیامد تعارضات خانوادگی به اعضای خانواده

^۱Repetti & McNeil

^۲Boonk, Gijsselaers, Ritzen, Brand

محدود نمی شود و سایر نهادهای اجتماعی و حتی اقتصادی را تحت تأثیر قرار می دهد. زوج‌هایی که یا مجبورند به دلیل فرزندان تحمل کنند و به زندگی پر تنش و آشوب خود ادامه دهند و یا از یکدیگر جدا شوند. خانواده های کشور ما هم از این امر مستثنی نیستند (سرای، شریفی و میرهاشمی، ۱۳۹۷).

۲-۵- مفهوم رفتار امتناع از مدرسه

یکی از سازه های بسیار مهم مطالعه شده توسط متخصصان سلامت روانی و آموزشی در طول قرن گذشته، رفتار امتناع از مدرسه یا اجتناب دانش آموز از حضور در مدرسه یا دشواری ماندن در کلاس برای کل یک روز می باشد (مائوپین، ۲۰۲۳). رفتار امتناع از مدرسه واژه ای گسترده ای است که بسیاری از فرض های زیر گروه دانش آموزان با غیبت مشکل دار، شامل گریز، هراس از مدرسه، و امتناع از مدرسه به دلیل اضطراب را زیر پوشش قرار می دهد. به ویژه، این عبارت دانش آموزانی را که میزان زیادی از زمان مدرسه را از دست می دهند، آنهایی که دوره ها یا ساعاتی از یک روز مدرسه را از دست می دهند، آنهایی که به طور مداوم در آمدن به مدرسه تاخیر دارند، افرادی که رفتارهای اشتباه و ناسازگاری های متعددی را صبحگاهان، در تلاش برای غیبت از مدرسه انجام می دهند، افرادی که ترس افراطی از حضور در مدرسه را تجربه می کنند و نیز آنهایی که به طور مداوم از والدین می خواهند که آنها را از مدرسه خارج کنند، شامل می گردد (اوادبوزید، الگازوری، ساید، ۲۰۲۴).

۳- مبانی نظری

با توجه به این که مدرسه گریزی یک مشکل رفتاری است و در زمره ی اختلالات رفتاری جای دارد، به نظر می رسد که نیاز است تا دیدگاه های نظری مهم در این باره مطرح گردد:

۱- **دیدگاه زیست شناختی**:^{۲۵} این دیدگاه در کلی ترین شکل خود حکایت از این دارد که رشد اختلال های رفتاری به عامل بیولوژی مربوط می شود. صاحبان این دیدگاه معتقد اند که آشفتگی های بدنی باعث رفتار پریشان می شود. هسته ی اصلی نقطه نظر زیست شناختی، نتیجه ی یافته هایی است که از رابطه ی بین عفونت ها و نواقص بدنی با رفتار پریشان به دست آمده است. افراطی ترین نظریه ی زیست شناختی معتقد است که اختلال های رفتاری، یا موروثی است یا ناشی از آسیب یا عفونت قبل یا بعد از تولد. نظر کمتر افراطی، باز هم بر کارکرد زیست شناختی (گرایش به کم رویی) و محیط اجتماعی (میزان بالای بیکاری و فقر در جامعه تأکید دارد. در حال حاضر، پذیرفته ترین نقشی که درباره ی بیولوژی وجود دارد استعداد مزاجی و فشار خارجی است، به این مفهوم که در پدید آمدن مشکل رفتاری، آمادگی ابتلا به بیماری و رویدادهای محیطی در هم تأثیر متقابل دارند (جابالانسکی، ۲۰۲۱).

۲- **دیدگاه روان پویشی**:^{۲۶} دیدگاه روان پویشی بر این باور است که افکار و هیجان ها علل مهم رفتار هستند. این دیدگاه برای تبیین اختلال های رفتاری سهولت آمدن به آگاهی فرد متفاوت است. فروید علاقه مند بود به این که چه گونه این

^{۲۵}Maupin

^{۲۶}Awad Abouzid, Shawky El-Ganzory & Sayed

^{۲۷}Biological perspective

^{۲۸}Psychoanalytic perspective

مضامین روانی ناخودآگاه بر رفتار خود آگاه تأثیر می گذارد. او ادعا کرد که میزان تعارض درونی مربوط به رویدادهای روانی در تعیین آگاهی از آنها عاملی مهم است. هر اندازه تعارض ناخودآگاه فشرده تر باشد، آسیب پذیری شخص بیشتر است. بر اساس معیارهای نظریه ی روان کاوی، انسان هنگامی بیمار می شود که تعادل میان عناصر اساسی شخصیت وی یعنی نهاد، خود و فراخود به هم بخورد. بیماران روانی معمولاً نهادی حریص و فراخودی به شدت کنترل کننده دارند و خود آنان تقویت نشده یا تحت فشار است (مائوپین، ۲۰۲۱).

۳- دیدگاه شناختی^{۲۷}: انسان موجودی پیچیده و بغرنج است و مانند یک موجود ساده در برابر محرکها عمل نمی کند، بلکه درباره ی موقعیتی که در آن قرار دارد می اندیشد و سپس بر حسب درک و فهم اش از محیط و موقعیت واکنش نشان میدهد. پیازه در چهار چوب نگرش شناختی به مسئله ی اختلال رفتاری معتقد است که یکی از دو بعد رفتاری یا دچار نارسایی رشدی یا تحولی است و یا گرفتار رشدیافتگی منفی. منظور از رشد یافتگی منفی، آن جنبه از اختلال های رفتاری است که در محیط های نامناسب و یا پر از کشمکش و تضاد ایجاد میشود (مکلمند و دیگران، ۲۰۲۱).

۵- دیدگاه رفتاری^{۲۸}: این دیدگاه بر تأثیر محیط و یادگیری در بروز اختلال های رفتاری تأکید دارد. واتسون، بر خلاف فروید، به عوض تعارض های روانی درونی ناخودآگاه، به رویدادهای قابل رؤیت تأکید دارد. یادگیری و تأثیر محیط، کانون های بررسی رفتار به حساب می آید. روند یادگیری در سرتاسر عمر ادامه دارد و از این رو، این تصور که شکل گیری شخصیت تا سن مخصوصی صورت می گیرد نمی تواند معنادار باشد. این دیدگاه مشکلات رفتاری را ناشی از تعامل محیط و یادگیری میداند. آنها معتقد اند که رفتارهای به هنجار و نابه هنجار، هر دو از محیط فراگرفته می شود. همچنین، این دیدگاه اثرات تقویت کننده ها و الگوهای نامناسب را در پیدایش اختلال رفتاری مهم می داند (لی و دیگران، ۲۰۲۱).

۶- دیدگاه اجتماعی^{۲۹}: در این دیدگاه رفتار غیر انطباقی به مثابه بیماری یا مشکلی که فقط در فرد وجود داشته باشد انگاشته نمی شود. بلکه این دیدگاه این گونه رفتارها را، حداقل تا حدی، به عنوان نقصی در نظام حمایت اجتماعی فرد می بیند. این نظام شامل همسر، والدین، خواهران و برادران، وابستگان، دوستان، معلمان، سازمان های اجتماعی، مدرسه و نهادهای دولتی است. روان شناسان اجتماعی، محیط اجتماعی و عوامل وابسته به آن را مثل وضعیت اجتماعی اقتصادی مورد مطالعه قرار میدهند. نظریات علیت اجتماعی بر آن اند که مدارس ضعیف، جنایت، مسکن نامناسب و تعصب، در طبقه های پایین اقتصادی بیشتر وجود دارد. بر این اساس روان شناسان اجتماعی انطباق ناصحیح یا رفتار غیرعادی را نتیجه ی نقص نظام های حمایت اجتماعی می بینند (لی و دیگران، ۲۰۲۱).

^{۲۷}Cognitive perspective

^{۲۸}Behavioral perspective

^{۲۹}Social perspective

۴-روش شناسی تحقیق

روش تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش را کلیه دانش آموزان دختر در منطقه ۱۸ تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۱ تشکیل می دهند. جامعه آماری کلیه دانش آموزان دختر در منطقه ۱۸ تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۱ است که از این میان ۳۸۴ نفر براساس جدول مورگان انتخاب می شوند و روش نمونه گیری به صورت تصادفی ساده است. از آمار توصیفی و استنباطی استفاده می شود و در نهایت جهت تجزیه و تحلیل فرضیه های تحقیق از آزمون ضریب همبستگی پیرسون با کمک نرم افزار SPSS استفاده خواهد شد.

۵-یافته های توصیفی:

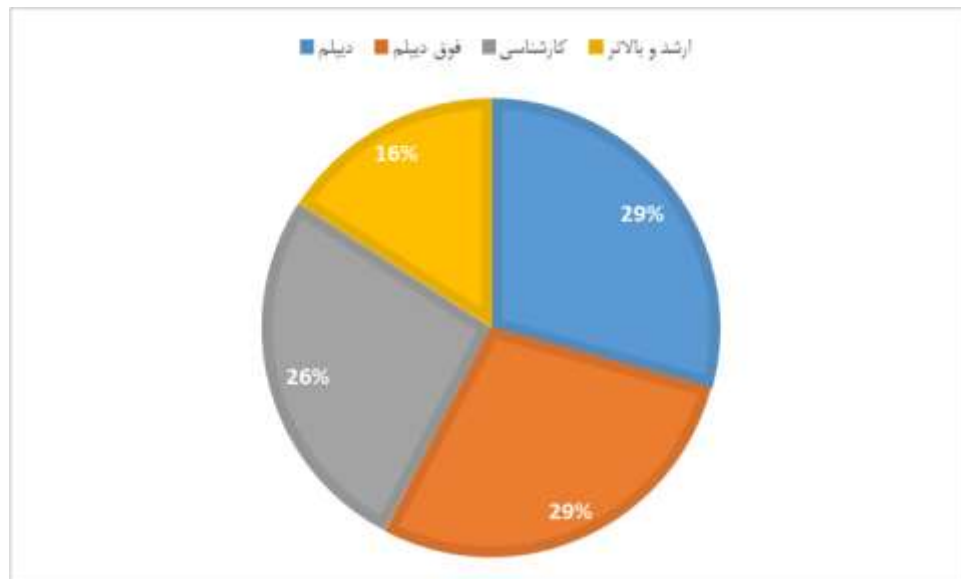
۵-۱-توصیف داده های جمعیت شناختی

معمولاً برای شناخت نمونه آماری (پاسخ دهندگان تحقیق)، متغیرهای جمعیت شناختی پرسشنامه مورد بررسی قرار می گیرد. لذا در این بخش به بررسی توزیع نمونه آماری (فراوانی، درصد فراوانی) از حیث متغیرهای چون پایه تحصیلی، رشته تحصیلی، تحصیلات پدر و تحصیلات مادر پرداخته می شود. اطلاعات بدست آمده در مورد ویژگی های جمعیت شناختی افراد به شرح ذیل است.

۵-۱-۱-توصیف فراوانی تحصیلات پدر

جدول ۱ داده های توصیفی به تفکیک تحصیلات پدر

تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی
دیپلم	۱۳۳	۳۵,۶۴
فوق دیپلم	۱۱۵	۲۹,۴۸
کارشناسی	۸۸	۲۲,۵۶
ارشد و بالاتر	۴۸	۱۲,۳۰
کل	۳۸۴	۱۰۰,۰



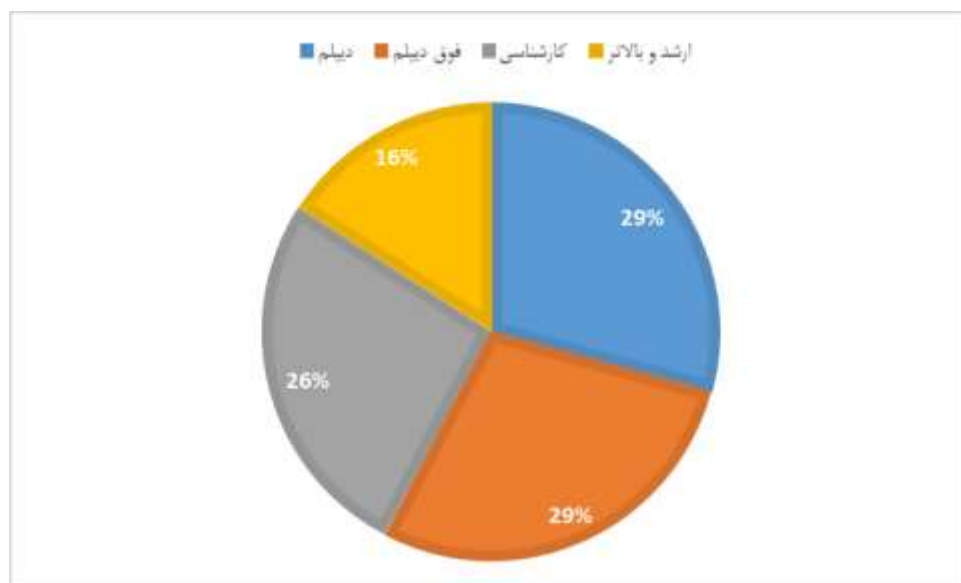
شکل ۱ نمودار دایره‌ای مربوط به تحصیلات پدر

داده‌های جدول آماری ۴-۱ مربوط به تحصیلات پدر پاسخ‌دهندگان؛ نمونه مورد پژوهش حاضر آن است که از ۳۹۰ نفری که به این سؤال پرسشنامه پاسخ داده‌اند؛ ۱۳۹ نفر (معادل ۳۵٪) دارای تحصیلات دیپلم، ۱۱۵ نفر (معادل ۲۹٪) دارای تحصیلات فوق دیپلم، و ۸۸ نفر (معادل ۲۲٪) کارشناسی و ۴۸ نفر (معادل ۱۲٪) دارای تحصیلات ارشد و بالاتر است.

۲-۵-۱ توصیف فراوانی میزان تحصیلات مادر

جدول ۲: داده‌های توصیفی به تفکیک میزان تحصیلات مادر

تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی
دیپلم	۱۰۸	۲۹,۲۳
فوق دیپلم	۱۱۱	۲۸,۴۶
کارشناسی	۱۰۳	۲۶,۴۱
ارشد و بالاتر	۶۲	۱۵,۸۹
کل	۳۸۴	۱۰۰,۰



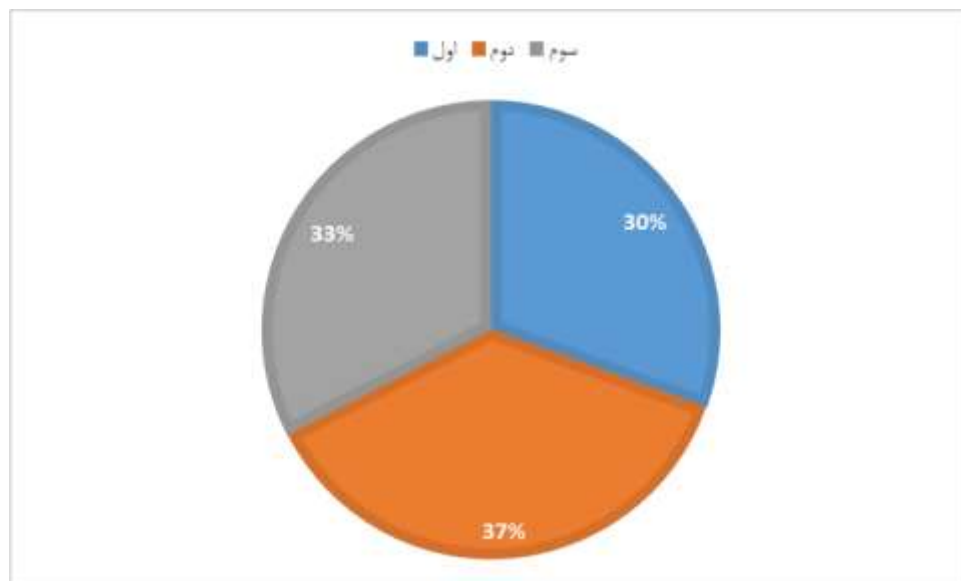
نمودار ۲ نمودار دایره‌ای مربوط به میزان تحصیلات مادر

داده‌های جدول آماری ۲-۴ مربوط به تحصیلات مادر پاسخ‌دهندگان؛ نمونه مورد پژوهش حاضر آن است که از ۳۹۰ نفری که به این سؤال پرسشنامه پاسخ داده‌اند؛ ۱۱۴ نفر (معادل ۲۹٪) دارای تحصیلات دیپلم، ۱۱۱ نفر (معادل ۲۸٪) دارای تحصیلات فوق دیپلم، و ۱۰۳ نفر (معادل ۲۶٪) کارشناسی و ۶۲ نفر (معادل ۱۵٪) دارای تحصیلات ارشد و بالاتر است.

۳-۵-۱- توصیف فراوانی پایه تحصیلی

جدول ۳ داده‌های توصیفی به تفکیک پایه تحصیلی

پایه تحصیلی	فراوانی	درصد فراوانی
اول	۱۱۳	۳۰,۵۱
دوم	۱۴۴	۳۶,۹۲
سوم	۱۲۷	۳۲,۵۶
کل	۳۸۴	۱۰۰,۰



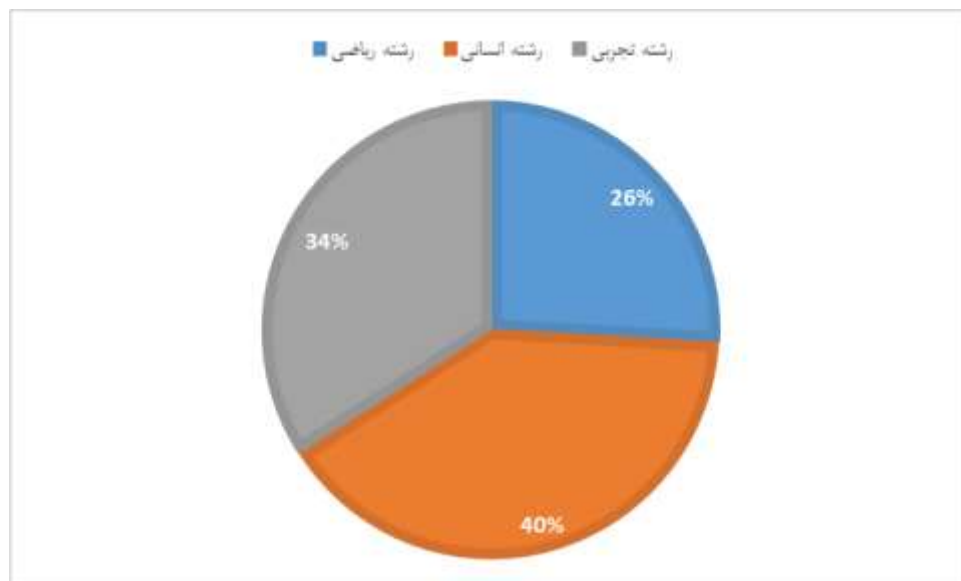
نمودار ۳ نمودار دایره‌ای مربوط به پایه تحصیلی

داده‌های جدول آماری ۲-۴ مربوط به پایه تحصیلی پاسخ‌دهندگان؛ نمونه مورد پژوهش حاضر آن است که از ۳۹۰ نفری که به این سؤال پرسشنامه پاسخ داده‌اند؛ ۱۱۹ نفر (معادل ۳۰٪) دارای پایه تحصیلی اول، و ۱۴۴ نفر (معادل ۳۶٪) دوم و ۱۲۷ نفر (معادل ۳۲٪) دارای پایه تحصیلی سوم هستند.

۴-۵-۱- توصیف فراوانی رشته تحصیلی

جدول ۵ داده‌های توصیفی به تفکیک رشته تحصیلی

رشته تحصیلی	فراوانی	درصد فراوانی
رشته ریاضی	۹۵	۲۵٫۸۹
رشته انسانی	۱۵۶	۴۰
رشته تجربی	۱۳۳	۳۴٫۱۰
کل	۳۸۴	۱۰۰٫۰



نمودار ۴: نمودار دایره‌ای مربوط به رشته تحصیلی

داده‌های جدول آماری ۴-۴ مربوط به رشته تحصیلی پاسخ‌دهندگان؛ نمونه مورد پژوهش حاضر نشانگر آن است که از ۳۹۰ نفری که به این سوال پرسشنامه پاسخ داده‌اند؛ ۱۰۱ نفر (معادل ۲۵٪) رشته ریاضی، ۱۵۶ نفر (معادل ۴۰٪) رشته انسانی و ۱۳۳ نفر (معادل ۳۴٪) رشته تجربی است.

۶- یافته‌های استنباطی

در تحلیل‌های آمار استنباطی همواره نظر بر این است که نتایج حاصل از مطالعه گروه کوچکی به نام نمونه چگونه به گروه بزرگ‌تری به نام جامعه تعمیم داده شود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۷). برای پاسخ به سوالات پژوهش و نتیجه از داده‌های جمع‌آوری شده از روش‌های مناسبی استفاده گردید تا بتوان از داده‌ها نهایت بهره‌برداری صورت گیرد که در ادامه به آن‌ها پرداخته شده است. با توجه به غیرنرمال بودن داده‌ها از روش آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده می‌کنیم. ضریب همبستگی بهترین معیار تشخیص وجود یا عدم وجود ارتباط میان دو یا چند متغیر و بیان شدت یا ضعف آن است. اگر همبستگی فقط بین دو متغیر باشد آن را همبستگی ساده و اگر بین بیش از دو متغیر باشد به همبستگی چند متغیره معروف است. در این تحقیق با توجه به غیرنرمال بودن داده‌ها از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است.

۶-۱- آزمون همبستگی بین انسجام خانواده و رفتار امتناع دانش‌آموز از مدرسه

جهت بررسی فرضیه فوق از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده گردید که نتایج آن در جدول (۴-۵) می‌گردد. نتایج این محاسبات از طریق خروجی نرم‌افزار SPSS نشان می‌دهد که بین انسجام خانواده و رفتار امتناع دانش‌آموز از مدرسه رابطه معناداری وجود دارد. میزان ضریب همبستگی ($r = -0.524^{**}$) بدست آمده با فراوانی ۳۹۰ در سطح الفای ۰/۰۵ معنادار است. بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که فرضیه پژوهشگر (H_1) پذیرفته می‌شود. به نوعی بین انسجام خانواده و رفتار امتناع دانش‌آموز از مدرسه رابطه معکوسی وجود دارد. به عبارتی دیگر، هر چقدر انسجام خانواده ارتقا پیدا کند، رفتار امتناع دانش‌آموز از مدرسه کاهش می‌یابد.

جدول ۶-ارتباط بین انسجام خانواده و رفتار امتناع دانش آموز از مدرسه

رفتار امتناع دانش آموز از مدرسه		
ضریب اسپیرمن	-۰/۵۲۴**	
انسجام خانواده	سطح معناداری	۰/۰۰۰
تعداد	۳۹۰	

۲-۶-آزمون همبستگی بین ابرازگری خانواده و رفتار امتناع دانش آموز از مدرسه

جهت بررسی فرضیه فوق از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده گردید که نتایج آن در جدول (۴-۶) می گردد. نتایج این محاسبات از طریق خروجی نرم افزار SPSS نشان می دهد که بین ابرازگری خانواده و رفتار امتناع دانش آموز از مدرسه رابطه معناداری وجود دارد. میزان ضریب همبستگی (۰/۵۶۹**) بدست آمده با فراوانی ۳۹۰ در سطح الفای ۰/۰۵ معنادار است. بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان می توان گفت که فرضیه پژوهشگر (H2) پذیرفته می شود. بین ابرازگری خانواده و رفتار امتناع دانش آموز از مدرسه رابطه مستقیمی وجود دارد. به عبارتی دیگر، هر چقدر ابرازگری خانواده بیشتر شود، دانش آموزان بیشتر از مدرسه امتناع می کنند.

جدول ۷-ارتباط بین ابرازگری خانواده و رفتار امتناع دانش آموز از مدرسه

رفتار امتناع دانش آموز از مدرسه		
ضریب اسپیرمن	۰/۵۶۹**	
ابرازگری خانواده	سطح معناداری	۰/۰۰۰
تعداد	۳۹۰	

۳-۶-آزمون همبستگی بین تعارض خانواده با رفتار امتناع دانش آموز از مدرسه

جهت بررسی فرضیه فوق از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده گردید که نتایج آن در جدول (۴-۷) می گردد. نتایج این محاسبات از طریق خروجی نرم افزار SPSS نشان می دهد که بین تعارض خانواده با رفتار امتناع دانش آموز از مدرسه رابطه معناداری وجود دارد. میزان ضریب همبستگی (۰/۵۰۴**) بدست آمده با فراوانی ۳۹۰ در سطح الفای ۰/۰۵ معنادار است. بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان می توان گفت که فرضیه پژوهشگر (H3) پذیرفته می شود. بین تعارض خانواده با رفتار امتناع

دانش آموز از مدرسه رابطه مستقیمی وجود دارد. به عبارتی دیگر، هر چقدر تعارض در خانواده بیشتر شود، دانش آموزان بیشتر از مدرسه امتناع می کنند.

جدول ۸-ارتباط بین تعارض خانواده با رفتار امتناع دانش آموز از مدرسه

رفتار امتناع دانش آموز از مدرسه		
ضریب اسپیرمن	۰/۵۰۴**	
تعارض خانواده	سطح معناداری	۰/۰۰۰
تعداد	۳۹۰	

بحث و نتیجه گیری

هدف اصلی در این تحقیق تعیین رابطه بین مولفه های محیط خانواده (انسجام، ابرازگری) با رفتار امتناع دانش آموز از مدرسه است. جامعه آماری در این پژوهش را کلیه دانش آموزان دختر در منطقه ۱۸ تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۱ تشکیل داد که از این میان ۳۸۴ نفر براساس جدول مورگان انتخاب شدند و روش نمونه گیری به صورت تصادفی ساده بود. برای جمع آوری داده نیز از دو پرسشنامه مقیاس الگوهای رابطه خانوادگی (محیط خانواده) موس و موس (۱۹۹۴) و مقیاس تجدید نظر شده امتناع از مدرسه توسط کرنی و سیلورمن (۱۹۹۳) استفاده شد. نتایج تحلیل داده های نشان می دهد که بین انسجام خانواده و رفتار امتناع دانش آموز از مدرسه رابطه معناداری وجود دارد. میزان ضریب همبستگی (۰/۵۲۴-) بدست آمده با فراوانی ۳۹۰ در سطح الفای ۰/۰۵ معنادار است. بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان می توان گفت که این فرضیه پذیرفته می شود. به نوعی بین انسجام خانواده و رفتار امتناع دانش آموز از مدرسه رابطه معکوسی وجود دارد. به عبارتی دیگر، هر چقدر انسجام خانواده ارتقا پیدا کند، رفتار امتناع دانش آموز از مدرسه کاهش می یابد. در تبیین این یافته ها می توان گفت که انسجام خانواده بیان کننده تعاملات مثبت، سالم و مناسب اعضای خانواده و همچنین حمایتی است که افراد خانواده از یکدیگر دارند انسجام خانواده به عنوان نزدیکی عاطفی با افراد خانواده تعریف شده و تعهد اعضا وقت گذراندن باهم، دو عنصر اساسی و اصلی آن است. خانواده هایی که منسجم هستند و همچنین محیطی حمایتگر و تقویت کننده برای فرزندانشان ایجاد می کنند، احتمال بروز رفتارهای پرخطر و رفتارهای ضداجتماعی مانند پرخاشگری و قلدری را در نوجوان هایشان کاهش می دهند. در بین تمام نهادها سازمانها و مؤسسات، اجتماعی خانواده نقش و اهمیت خاصی دارد. تمامی آنان که در باب سازمان جامعه اندیشیده اند همه نظریه پردازان و اندیشمندان بر خانواده و اهمیت حیاتی آن بر جامعه تأکید ورزیده اند. به درستی هیچ جامعه ای نمیتواند ادعای سلامتی، کند چنان چه از خانواده های سالم برخوردار نباشد. تردیدی وجود ندارد که سلامت جامعه وابسته به سلامت خانواده میباشد. خانواده این مقدس ترین و پایدارترین بستر تربیت و تندرستی انسان کوچکترین هسته جامعه میباشد و در صورتی سالم است که از خانواده سالم برخوردار باشد. جامعه مرفقی و متعالی آن نیست که از جمعیت فراوان و ثروت سرشار برخوردار باشد، بلکه جامعه مطلوب آن است که دارای خانواده هایی مستحکم و منسجم باشد. خانواده منسجم توسط جو خانوادگی

حمایتی و تفاهم و درک اعضای آن شناخته می شوند، که اعضای آن تمایل به درک و کمک برای برطرف کردن نیازها و دغدغه های افراد خانواده دارند. خانواده که مرکب از زوجین و فرزندان می باشد از هماهنگی انسجام وفاق و تفاهم دو طرف زن و شوهر برخوردار باشد قطعاً زمینه زندگی سالم خانوادگی را فراهم میکند اما اگر انسجام و هماهنگی نداشته باشد، قطعاً تهدید به فروپاشی و انهدام شده و پایه و اساس آن فرو میریزد. بنابراین می توان گفت که با افزایش انسجام خانواده، رفتار امتناع از مدرسه در دانش آموزان کاهش پیدا می کند که این نتایج با پژوهش های لی و همکاران (۲۰۲۱)، مرزایی (۱۳۹۴) و عرب زاده و همکاران (۱۳۹۷) همخوانی دارد. نتایج تحلیل داده ها نشان می دهد که بین ابرازگری خانواده و رفتار امتناع دانش آموز از مدرسه رابطه معناداری وجود دارد. میزان ضریب همبستگی (۰/۵۶۹) بدست آمده با فراوانی ۳۹۰ در سطح الفای ۰/۰۵ معنادار است. بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان می توان گفت که این فرضیه پذیرفته می شود. بین ابرازگری خانواده و رفتار امتناع دانش آموز از مدرسه رابطه مستقیمی وجود دارد. به عبارتی دیگر، هر چقدر ابرازگری خانواده بیشتر شود، دانش آموزان بیشتر از مدرسه امتناع میکنند. که در تبیین این نتایج می توان گفت که سطوحی از ابرازگری خانواده به عنوان الگوی اصلی نمایش ابراز کلامی و غیر کلامی از احساسات درون خانواده به عنوان یک کل تعریف شده است که روابط زناشویی را تحت تأثیر خود قرار می دهد. به طور خاص کیفیت روابط زناشویی به مقدار زیادی تحت تأثیر ابرازگری هیجانی در خانواده است. وقتی که والدین هیجانات مثبت ابراز می کنند، کودکان میزان کمتری از رفتارهای برون ریزی را از خود نشان می دهند، نسبت به همسالان نشان کمتر احساس ناامیدی و عصبانیت می کنند و به احتمال کمتری رفتارهای امتناع از مدرسه نشان می دهند، انگار که این حالات چندان به آنها مربوط نمی شود. کودکانی که دارای والدین گرم، مثبت و بیانگر در تعاملات هستند، توانایی بیشتری برای کنترل هیجان دارند و هیجانات منفی را حتی در دوره نوجوانی، درونی نمی کنند. روبه رو شدن با ابراز مناسب هیجانات، به همراه دیگر رفتارهای والدین در برابر رخدادها، به پسران کمک می کند تا دیگران را تسلی دهند. وقتی که والدین هیجان مثبتی را در خانه ابراز می کنند، می توانند بعضی از تمایلات منفی دانش آموزان در امتناع از مدرسه را کاهش دهد که این امر با یافته های پژوهش فرهمند و فولادچنگ (۱۳۹۷) و ریپیتی و مک نیل (۲۰۱۸) همخوانی دارد.

منابع

۱. -ابراهیم زاده، خوشدوی، و آگشته، منصور، و زینال پور، فاطمه، و اشرف زاده، صفورا. (۱۳۹۶). تأثیر آموزش مدیریت والدین در کاهش رفتار امتناع از مدرسه رفتن دانش آموزان دبستانی. سلامت روان کودک (روان کودک)، ۴(۴)، ۷۱-۸۰.
۲. -احمدی ده قطب الدینی، محمد (۱۳۸۹). رابطه بین وضعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده، راهبردهای یادگیری و توانایی حل مساله ریاضی در میان دانشجویان. برنامه ریزی درسی-دانش و پژوهش در علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان. شماره ۲۵، ۱۰۱-۱۳۰.
۳. -ارقبایی، محمد، سلیمانیان، علی اکبر، محمدی پور، محمد. (۱۳۹۷). نقش جو عاطفی خانواده در گرایش به مصرف مواد: بررسی نقش میانجی عاطفه منفی. فصلنامه/عتیاد پژوهی سومصرف مواد، سال دوازدهم، ۴۵.
۴. -بدایق، سجاد، اصغری ابراهیم آباد، محمدجواد، مشهدی. (۱۳۹۸). اثربخشی گروه درمانی بین فردی کوتاه مدت بر کاهش نشانه های اضطراب اجتماعی و ابرازگری هیجانی دانشجویان دارای اضطراب اجتماعی. پژوهش های روانشناسی بالینی و مشاوره. ۹(۲). ۴۳-۵۵.

۵. -پهلوان صادق، اعظم، کجباف، محمدباقر. (۱۳۹۰). نقش واسطه ای فرایند آموزش ریاضی و فرهنگ مدرسه در ارتباط میان وضعیت اقتصادی- اجتماعی خانواده و باورها و ارزش ها درباره یادگیری ریاضی با نگرش ریاضی نوآوری های آموزشی. ۱۰(۴) ۱۴۹-۱۶۸.
۶. -جهانبخش گنجه، صادق (۱۳۹۹). مطالعه کیفی احساس امنیت زنان در محیط خانواده مورد مطالعه: زنان مراجعه کننده به مراکز مشاوره در شهرستان کرج. مطالعات زن و خانواده، پژوهشکده زنان دانشگاه الزهراء، دوره ۸، شماره ۲، ۱۱۴-۷۹.
۷. -خرمایی، فرهاد، اردستانی، سمیرا (۱۳۹۵). پیش بینی تحصیلی گریزی براساس رویکرد یادگیری با میانجی گری جهت گیری اهداف. سومین همایش ملی روانشناسی مدرسه. دانشگاه الزهراء. تهران.
۸. -درخشان، معراج، یوسفی، سلمان، نجارپوریان، علی. (۱۴۰۰). رابطه جو عاطفی خانواده و سرزندگی تحصیلی با توجه به نقش واسطه گری خودپنداره تحصیلی: مدل سازی معادله ساختاری. فصلنامه علمی پژوهشنامه تربیتی دانشگاه آزاد واحد بجنورد، ۱۶(۱۶۶)، ۳۷-۵۶.
۹. -رشیدزاده، عبدالله (۱۳۹۸). اثربخشی بسته آموزشی خودتنظیمی فراشناختی بر مولفه های اهمالکاری تحصیلی (با نقش تعدیلی خودپنداره تحصیلی). نوآوری های آموزشی. ۱۸(۴). ۱۵۴-۱۳۷.
۱۰. -رحیمی، ماریا (۱۴۰۰). بررسی تجربه دانشجویان سه دهه گذشته تاکنون از سیر تحول مفهوم خانواده ایرانی، پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲، ۱۱۴-۷۹.
۱۱. -زینب شاه بختی، عبدالله شفیع آبادی، جعفر حسنی، محمود جاجرمی، (۱۳۹۹). طراحی مدل مفهوم خانواده در زوجین متقاضی طلاق بر اساس نظریه داده بنیاد، پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، ۴(۱۵)، ۲۷۸-۲۳۹.
۱۲. -سرایبی، س، شریفی، پ، میرهاشمی (۱۳۹۷). سنجش نقش عوامل خانوادگی و مدرسه ای موثر در مهارت های زندگی نوجوانان مقطع تحصیلی متوسطه دوم شهر تهران. فصلنامه روانسنجی. ۶(۲۴). ۱۱۹-۱۳۶.
۱۳. -شکوهی، محمدجعفر. امیریان زاده، مژگان و کشت ورزکندازی. احسان. (۱۴۰۰). رابطه ذهن آگاهی با رفتار غیرمولد تحصیلی: نقش واسطه ای خودپنداشت تحصیلی. پژوهش های برنامه درسی. ۱۱(۱). ۲۰۸-۱۷۸.
۱۴. -شاكرمی، مریم، صادقی، مسعود، قدم پور، عزت الله. (۱۳۹۶). تدوین مدل درگیری تحصیلی براساس عوامل جو روانی- اجتماعی کلاس درس و جو عاطفی خانواده با نقش میانجی تاب آوری تحصیلی. فصلنامه علمی-پژوهشی روش ها و مدل های روانشناختی، سال هشتم، شماره ۳، پیاپی ۲۹. ۱۵۹-۱۸۲.
۱۵. -طلائی، خداکرم، سعدی پور، اسماعیل، اسدزاده، حسن (۱۳۹۸). روابط اداراک از محیط کلاس درس، اداراک از محیط خانواده و عملکرد تحصیلی از طریق اشتیاق تحصیلی در دانش آموزان ششم ابتدایی: الگوی ساختاری. فصلنامه پژوهش های نوین روانشناختی، سال ۱۴، شماره ۵۴.
۱۶. -صالح اردستانی، سمیرا، خرمایی، فرهاد. (۱۳۹۹). رابطه بین محیط کلاس و تحصیل گریزی دانش آموزان: نقش واسطه ای اداراک خود. نشریه علمی آموزش و ارزشیابی. ۱۳(۴۹). ۱۲۵-۱۰۹.
۱۷. -عباسی، عبدالله، رجایی، علیرضا، بیاضی، حسین، جعفریان، حمید (۱۴۰۰). پیش بینی گرایش به رفتارهای پرخطر براساس اداراک جو روانی-عاطفی خانواده و سبک فرزندپروری با میانجی گری سبک زندگی سلامت در نوجوانان. رویش روانشناسی، سال ۱۰، شماره ۱۰، شماره ۶۷.
۱۸. -عرب نژاد، شادی، مفاخری، عبدالله، رنجبر، محمدجواد (۱۳۹۷). نقش انسجام خانواده و خودارزشمندی در پیش بینی گرایش به رفتارهای پرخطر در دانش آموزان مقاطع متوسطه اول. مطالعات روان شناختی. دوره ۱۴، شماره ۱.

۱۹. - عزیزی، یگانه (۱۳۹۴). کنکاش در عملکرد خانواده: مقایسه موقعیت فرهنگی-اجتماعی، سبک های والدگری، انسجم، و عملکرد خانواده، قابلیت های درون فردی و بین فردی در دانش آموزان دختر و پسر. نشریه پژوهش در نظام های آموزشی، ۹ (۲۸)، ۱۷۹-۱۹۵.
۲۰. فرحمند، سهیلا، فولادچنگ، محبوبه. (۱۳۹۶). تبیین علّی سرزندگی تحصیلی بر اساس الگوهای ارتباطی خانواده: نقش واسطه‌ای ابرازگری هیجانی. روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی، ۱۳ (۵۱)، ۲۷۵-۲۷۸.
۲۱. - قدمی، غزاله، زارع، مریم، رحیمی، مهدی. (۱۳۹۸). نقش ویژگی های شخصیتی و ابعاد محیط ارتباطی خانواده در درگیری تحصیلی با واسطه گری اشتیاق. فصلنامه علمی پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی. سال هفتم، ۲ (۲۶)، ۲۰-۹.
۲۲. - قایم پور، زینب، اسماعیلیان، مرضیه، سرافراز، مهدی رضا. (۱۳۹۸). تنظیم هیجان در نوجوانان: نقش پیش بینی کننده کارکرد خانواده و دلبستگی، اندیشه و رفتار در روانشناسی بالینی، ۱۳ (۵۱)، ۱-۱۶.
۲۳. قاراخانی، معصومه. (۱۳۹۴). شاخص های سنجش وضعیت خانواده، مبنایی برای سیاست گذاری اجتماعی. مطالعات جامعه شناختی (نامه علوم اجتماعی)، ۲۲ (۲)، ۱۲۵-۱۴۹.
۲۴. - کاظمی زهرانی، حمید، ابراهیمی جوزدانی، فرزانه، هاشکی نجف آبادی، سعیده. فرهمند. هادی. (۱۳۹۸). نقش واسطه ای ناگویی طبعی در پیش بینی نگرانی از تصویرتن براساس دوسوگرایی ابزار هیجان. فصلنامه علمی پژوهشی علوم روانشناختی، ۱۸ (۸۴).
۲۵. - کیانی، احمد رضا (۱۳۹۷). بررسی ویژگی های روان سنجی نسخه کوتاه مقیاس رابطه خانوادگی و برآورد همبستگی این متغیر با خود گزارش دهی رفتارهای خودکشی نوجوانان دبیرستانی. دوره هشتم، شماره نخست، پیاپی ۲۵.
۲۶. - کشت‌ورز کندازی، احسان، هدایتی، الهه، کارگر، فاطمه، مظاهر، فاطمه (۱۴۰۰). نقش واسطه‌ای خودپنداشت تحصیلی در رابطه بین ادراک از جوّ مدرسه و تحصیل‌گریزی. مجله مطالعات روانشناسی تربیتی، ۱۳۵-۱۵۶، ۱۸ (۲۴).
۲۷. - کیانی چلمردی، احمد رضا، هنرمند قوجه بیگلر، پژمان، خاکدال، سعید و زردی گیگلر، بهمن. (۱۳۹۷). بررسی ویژگی های روانسنجی نسخه کوتاه مقیاس رابطه خانوادگی و برآورد همبستگی این متغیر با خود گزارش دهی رفتارهای خودکشی نوجوانان دبیرستانی، مشاوره و روان درمانی خانواده، ۱، ۱۶۴-۱۴۷.
۲۸. - میرجلیلی، رضوان، زندوانیان، احمد، صالح زاده، مریم. (۱۳۹۹). مقایسه ادراک از محیط کلاس، سرزندگی تحصیلی و قلدی در کودکان با خانواده تک والد و عادی. فصلنامه مطالعات زن و خانواده. پژوهشکده زنان، دوره ۸، شماره ۳، ۱۸۳-۱۶۱.
۲۹. - محمودپور، عبدالباست. امینیان، ابولفضل. نوذری، محمد، نعیمی، ابراهیم. (۱۴۰۰). نقش اجتناب شناختی و ابزارگری هیجانی در پیش بینی تعارض زناشویی زنان شهر تهران. مجله علوم روانشناختی. دوره ۲۰، شماره ۲۰۹، ۹۸-۲۱۸.
۳۰. - محمدی، آسیه، جنگی زهی (۱۳۹۷). نقش خانواده در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، یازدهمین کنفرانس بین المللی روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران، شرکت همایشگران مهر اشراق.
۳۱. - مرعشیان، فاطمه، صفرزاده، سحر. (۱۳۹۶). رابطه التزام عملی به اعتقادات اسلامی و جو عاطفی خانواده با بحران هویت در دانشجویان دختر. فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ. سال نهم، شماره ۳۴، ۹۴-۸۱.
۳۲. هارون رشیدی، همایون، کاظمیان مقدم، کبری. (۱۳۹۷). رابطه الگوهای ارتباطی، انعطاف پذیری و انسجام خانواده با جرات ورزی دانش آموزان دختر. فصلنامه فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده، سال ۱۳، شماره ۴۴، ۱۸۳-۱۶۵.
۳۳. وحیدی نسب، هنگامه، عباسی، مسلم. (۱۳۹۹). پیش بینی سرزندگی تحصیلی براساس جو روانی اجتماعی تدریس و الگوی ارتباط خانواده. مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، سال سوم، شماره ۳۲.